جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ طادی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

واکاوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینما توگراف ۲

دومین جشنواره فیلم فجر همچنان پا در هوا

سعید مستغاثی

بخش سیزدهم

اگرچه پس از دوره نخست جشنواره فیلم فجر و آسیب‌شناسی آن، سعی شد با برنامه‌ریزی و طراحی، فیلم‌هایی طراز انقلاب و با ارزش‌های دینی و اسلامی و انقلابی تولید شده و به اکران عمومی درآیند، اما در عمل و علی‌رغم برخی تلاش‌ها و کوشش‌های قابل تقدیر و بعضا نتایج مثبت، به دلیل آنکه مدیران سینمایی وقت، کمتر از مشاورت افراد و عناصر دلسوز و متفکر و اندیشمند بهره می‌بردند، متاسفانه در هر دوره از این جشنواره تنها با تعداد معدودی از فیلم‌های انقلابی یا دفاع مقدس و یا مماس با ارزش‌ها و باورها و هویت اسلامی/ ایرانی مردم مواجه بودیم.

شگفت آنکه در آن شرایط خاص جنگی و در حالی که بنا به تصمیم سران نظام و به خصوص اعلام رهبر انقلاب، قرار بود کلیه امکانات کشور در خدمت جنگ و جبهه‌ها قرار گیرد اما در جشنواره فیلم فجر و در همان سال‌ها، بیشتر، فیلم‌هایی تولید شد و در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و سپس جوایز جشنواره را هم به خود اختصاص داد که کمتر از آن ویژگی‌های انقلابی یادشده برخوردار بود و یا اصلا ربطی به انقلاب و اسلام و دفاع مقدس نداشت.

در واقع بـه ژانرها و انواع و گونه‌های دیگری از سـینما پرداخته شد که برای یک کشـور جنگ‌زده و در حـال دفاع، حداقل در اولویت قـرار نمی‌گرفتند. آن هم در شـرایطی که هـزاران کیلومتر از خاک کشور در اشغال دشمن بود و ده‌ها شـهر و مردم بی‌گناهـش زیر بمباران و موشـکباران قرار داشـتند. هر روز و هر سـاعت در کوچه و خیابان‌های شهرهای این سرزمین حجله‌ها برای جوانان و شهدا بسته می‌شـد و خانواده‌های بسیاری در عزاداری و یا دلنگرانی برای فرزندان خود به سـر می‌بردند و دل‌های بسیاری نیز از زخم‌های دشمن بر پیکر وطن، خون بود.

مهـدی ارحام صـدر از کمدین‌های قدیمی تئاتر و سـینمای ایـران، درباره عـدم ادامه فعالیـت و روی صحنه بردن نمایش‌های کمدی در آن روزها در مصاحبه‌ای اظهار داشت که چگونه در چنان شرایط دشوار و غم‌انگیز و سختی که ملت ایران تمام‌عیار درگیر جنگ و دفاع بودند و فرزندان عزیز خود را دراین راه از دست می‌دادند، بی‌خیال درد و رنج مردم، وجدانش رضایت می‌داده که نمایش کمدی روی صحنه ببرد؟!

اما طرفه آنکه برخی سـینماگران این سینما، بی‌خیال موقعیت خطیر انقلاب و مردم، چشم خود را بر روی کارزار خونین ملت با دشـمن بعثی و حامیانش بسـتند و به طرح دلمشغولی‌های کوچک و شخصی خویش یا تقلید از سینمای آن‌سوی مرزها و یا تلاش برای راضی کردن اربابان جشنواره‌های خارجی مشغول شدند!!

اولین حضور مدیران جدید

دومین جشنواره فیلم فجر در واقع نتیجه اولین سال حضور سیاستگذاران فرهنگی و مدیران جدید سینمای ایران در معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بنیاد سینمایی فارابی بود. بنا بر مصاحبه‌ها و اعلام سیاست‌های مختلف، روشن بود که در این دوره برخلاف نخستین دوره، دیگر خبری از فیلمسازان قدیمی و متعلق به دوران پیش از انقلاب (چه فیلمفارسی‌سازها و چه شبه‌روشنفکرها و جریان به اصطلاح موج نو) نیست.

بخش مسـابقه اصلی برخلاف دوره اول جشـنواره که به سبک و سیاق جشنواره‌های اروپایی با ۵ فیلم داخلی و ۱۶ فیلم خارجی عمدتا از کشورهای شرقی برگزار شد، این‌بار به طور کلی به فیلم‌های ایرانی اختصاص پیدا کرد و با انتقاداتی که نسبت به فیلم‌های خارجی حاضر در جشنواره اول به عمل آمد که به جز فیلم‌های بخش مسابقه اصلی، در بقیه بخش‌ها مثل کودکان و نمایش‌های ویژه و حتی بخشی که به سرخ‌پوستان و سیاه‌پوستان اختصاص داشت، اغلب آثارهالیوودی نمایش داده شدند، در جشنواره دوم فیلم فجر، هیچ فیلم خارجی حضور نداشت.

این‌بار فیلمسـازان پس از انقلاب به جز علیرضا داوودنژاد و مسـعود اسـداللهی و رضا میرلوحی تقریبا کلیت بخش مسـابقه اصلی را به خود اختصاص داده بودند. علیرضا داوودنژاد با دو فیلم «خانه عنکبوت» (که با فیلمنامه مسعود بهنود گفته شد به نوعی توبه‌نامه او بوده) و فیلم «جایزه» (در هجو تبلیغات بخت‌آزمایی رژیم شـاه) در حالی در جشـنواره فیلم فجر حضور داشـت که پیش از آن و در دوران شاهنشاهی، فیلمفارسی‌هایی مانند «نازنین» و «شاهرگ» را ساخته و فیلمنامه آثاری همچون «موسرخه» را نوشته بود.

شاید در نظر مدیران آن روز سینما و جشنواره فیلم فجر، آخرین فیلم داوودنژاد در دوران شاه به نام «قدغن»، نوعی اعتراض کمرنگ قیصرگونه به جامعه آن روزگار به نظر می‌رسـید و از همین‌روی حضور او در سینمای بعد از انقلاب را بلامانع دانستند! و البته فیلم «خانه عنکبوت» نیز برای این مدیران می‌توانست، مجوز محکمی به حساب آید!!

همچنان برخی فیلمفارسی‌سازان بودند

اما مسعود اسداللهی سازنده فیلمفارسی‌های مبتذلی همچون «همسفر» و «بابا خالدار» و نویسنده آثار مستهجنی مانند «راز درخت سنجد» چه توجیهی می‌توانست برای حضور در جشنواره فیلم فجر داشـته باشـد؟ آیا موضوع فیلم «قرنطینه» که ظاهری ضد رژیم شاه داشـت، آن هم ۳ سال پس از سقوط آن رژیم، می‌توانست توجیهی برای این حضور باشد؟! آن هم فیلمی که بسیاری از سینماگران به اصطلاح موج نو و شبه‌روشنفکر می‌توانستند ادعای ساخت آثار مشابه بهتر و قابل‌قبول‌تری داشته باشند؟ قابل‌توجه اینکه در همان سال‌ها، جناب مسعود اسداللهی به خارج کشور و سپس آمریکا رفت و از همان ابتدا هم فعالیت علیه انقلاب و مردم ایران را شروع کرد که همچنان پس از ۴۰ سال ادامه دارد!!

رضا میرلوحی هم همچنان‌که در جشـنواره قبل با فیلم «اشباح» حضور داشت، اما به عنوان یک فیلمفارسی‌ساز مانند دیگر سینماگران قبل از انقلاب از فهرست مدیران جشنواره فجر خط نخورد و در دومین جشنواره نیز با فیلم «شیلات» حضور داشت که ظاهرا یک قصه ضد رژیم شاه را روایت می‌کرد.

جوایز نامربوط به فیلم‌های نامربوط

به جز فیلم‌های علیرضا داوودنژاد و مسعود اسداللهی و رضا میرلوحی، فیلم‌های «بازرس ویژه» از منصور تهرانی، «پرونده» ساخته مهدی صباغ‌زاده، «حصار» از حسن محمدزاده، «بازجویی» به کارگردانی محمدعلی سجادی، «نقطه ضعف» ساخته محمدرضا اعلامی، «زخمه» از خسرو ملکان، «گفت به زیر سلطه من درآیید» به کارگردانی داریوش ارجمند، «هیولای درون» اثر خسرو سینایی، «مرگ سفید» از حسـین زندباف به نوعی موضوعات درباره ظلم و سـتم‌های رژیم شاه را شامل شده و بعضا مبارزات علیه آن را به تصویر می‌کشـید، البته هیچ هویت و نشانی از مبارزات و نهضت مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی رحمهٌ‌الله‌علیه و پیشتازی روحانیت مبارز نداشت.

همچنین «داد شاه» ساخته مرحوم حبیب کاوش و «پیک جنگل» ساخته حسن هدایت درباره دو شخصیت مبارزاتی دوران پهلوی و «تفنگدار» درباره مبارزات مردم در تاریخ معاصر کشورمان به علاوه سه فیلم از محسن مخملباف (که در واقع کار گروهی انقلابیون مسلمان حوزه هنر و اندیشه اسلامی بود که بعدا به حوزه هنری، تغییر نام داد) به نام‌های «توبه نصوح»، «استعاذه» و «دو چشم بی‌سو» و بالاخره پنج فیلم «آوای غیب» از سعید حاجی‌میری، «دیار عاشقان» ساخته حسن کاربخش، «کیلومتر پنج» از حجت‌الله سیفی، «رهایی» ساخته رسول صدرعاملی و «عبور از میدان مین» از جواد طاهری تنها آثار جنگی و دفاع مقدس دومین جشنواره فیلم فجر بودند. علی‌رغم حضور آثار فوق اما در دومین جشنواره فیلم فجر، اغلب فیلم‌های غیرمربوط به جنگ و دفاع مقدس و انقلاب، جوایز جشنواره را دریافت کردند؛ به جز فیلم «دیار عاشقان» که جایزه ویژه هیئت داوران را گرفت و از نخستین آثار سینمای دفاع مقدس به‌شـمار می‌آید، فیلم‌هایی همچون: «هیولای درون»(درباره کابوس‌های یک ساواکی)، «نقطه ضعف»(اقتباسی از داستان آنتونیوس ساماراکیس)، «جایزه»(درباره یک جایزه حساب پس‌انداز بانک) و «چشم‌تنگ دنیادار» نورالدین زرین کلک و «همسرایان» عباس کیارستمی(از بخش فیلم‌های کوتاه) همه جوایز و تجلیل‌ها و تحسـین‌ها را مال خود کردند! یعنی از ۹ جایزه اصلی جشـنواره به فیلم‌های بدون ارتباط با موضوع جشنواره و تنها ۲ جایزه (کمتر از یک‌چهارم جوایز) به آثار مربوط به فجر انقلاب اسلامی یعنی عنوان و موضوع و اساس جشنواره فیلم فجر، اختصاص یافت!!

ابوالفضل ذوالفقاری

گروکشی سیاسی جبهه ابتذال طلب از سـینـما!

این روزها که سینمای ایران با عبور از سنگلاخ‌ها و دست‌اندازها، روند نسبتا خوب و بهتر از سال‌های قبل خود را پشت‌سر می‌گذارد؛ به‌ویژه، در آستانه انتخابات پیش‌رو، به نظر می‌رسـد این حال رو به بهبود سینمای ایران برای عده‌ای سخت و سنگین تمام شده است. رسـانه‌های جناحی، شبکه‌ها و سایت‌های منتسب و نزدیک به برخی جریانات و رجال سیاسی این موضوع را برنتافته‌اند و با چنگ انداختن به آسمان و ریسـمان بنای بدخلقی و بی‌اخلاقی درپیش گرفته‌اند.

تردید نداریم مطالبات بر زمین مانده در حوزه سینما و فرهنگ بسیار اسـت اما دستاوردها و اقدامات صورت گرفته را نمی‌توان با بی‌انصافی نادیده گرفت و انکار کرد.

برای جشـنواره فجر امسـال بیـش از ۱۰۰ فیلم سینمایی متقاضی حضور شده‌اند که تنها ۲۰ تا ۲۵ درصد این آثار متعلق به ارگان‌ها و مراکز و دولتی هستند و بالغ بر ۷۵ درصد فیلم‌ها به صورت مشارکتی و یا در بخش‌های خصوصی رقم خورده‌اند.

سالن‌های سینمایی که از پیامد دوران سیاه کرونا و توقف کسب و کارها در آستانه تعطیلی و تغییر کاربری قرار داشته‌اند امروز، چراغ‌های روشن آن‌ها چشم حسودان را کور می‌کند!!! در هر گوشه‌وکنار این سرزمین صحبت از افتتاح و بهره‌برداری از سـالن‌های جدید سینماست. بدبینانه‌ترین آمارها، رشد ۴۵ درصدی توسعه و افزایش سالن‌های سینما را نشان می‌دهد و دولت، وزارت ارشاد و سازمان سینمایی به عنوان جلودار و پرچمدار این حوزه با تمام قد و قوا وارد میدان شده‌اند. پس، منصفانه نیست که با اهداف، مقاصد و اغراض سیاسی و جناحی یا از سر تنگ‌نظری‌ها، این گسـتره از تغییر، تحول و پیشرفت را نادیده بگیریم.

سینمای ورشکسته و نیمه‌تعطیل سال ۱۴۰۰ امروز، با همدلی و همگرایی در مسـیر تاریخ‌سازی قرار گرفته است. عرصه‌ای که با یک میلیون مخاطب در سال ۱۳۹۹ و ۷ میلیون مخاطب در سال ۱۴۰۰، امروز به حدود ۲۳ میلیون نفر رسیده و تا پایان سال به مخاطب ۲۸ میلیون تا ۳۰ میلیون نفری خواهد رسید.

با همه این اوصاف منظور این نیست که در وضعیت ایده‌آل و خوبی به سر می‌بریم.

زمین سوخته سـال‌های دشوار کرونا و چالش‌های بی‌شـمار بعد از آن، امروز، بارور شـده و ثمر داده است. سینما، امروز به نقطه‌ای رسیده است که خوشبین‌ترین منتقد و کارشـناس در آغاز کار دولت سیزدهم هم، به سختی می‌توانست چنین شرایطی را پیش‌بینی کند. حال سینما بهتر از سال‌های قبل شده است و روند رو به جلو را طـی می‌کند. و در حوزه فروش و مخاطب می‌توان به مخاطب ۳۰ میلیون نفری و گیشه ۱۰۰۰ میلیارد تومانی امیـدوار بود، چه بخواهیم یا نه، این اتفاق، قابل توجه و شایسته تمجید نیست؟

درحالی کـه کشـور در سـال ۱۴۰۱ تجربه تلخ ناآرامی‌های اجتماعی و سـپس، اغتشـاش را پشت‌سر گذاشـته بود و در کنار آن، اپوزیسیون داخلی و خارجی و جریانـات معاند هم، اتمسـفر یاس‌آمیزی را از طریق پمپاژ و جوسازی‌های رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی و ماجراجویی سلبریتی‌های وطن‌فروش که اتفاقا، زمین بازی را سـینما و سینماگران انتخاب کرده بودند ایجاد کرد و فضای تیره و بی‌آتیه‌ای- بدتر از دوران کرونا- را القاء کرده بودند. بسـیاری از سینماگران با تردید به ادامه کارشان نگاه می‌کردند. در چنین شرایطی با طراحی هوشمندانه، افق و روندها تغییر کرد.

بدون شک، کمتر کسی تصور می‌کرد سینما در سال ۱۴۰۲ به چنین نقطه مقبولی برسد. بسیاری با بدبینی نسبت به آینده سینما از تعطیلی آن می‌گفتند. خیلی از تهیه‌کننده‌ها حاضر نشده بودند آثارشان را برای اکران در اختیار بگذارند. اما آشتی گسترده مخاطبان با سالن‌های تاریک سبب شد تا بسیاری از همان سرمایه‌گذارها ترغیب شـوند تا فیلم خود را در این گردونه پر رونق به نمایش بگذارند تا بتوانند در این روزگار آشتی، اتفاق‌های خوبی را برای آثار خود رقم بزنند. شـرایط مطلوب و پر رونق سینمای ایران امروز بیشتر به معجزه شبیه است.

البته، درک می‌کنیم که برخی از رسانه‌های حزبی و جناحی که تلاش می‌کنند فضا و چشم‌انداز را یکسره و مطلقـا تیره و تار جلوه دهند چه اهداف و منافعی دارند! آن هم رسـانه‌های وابسته به طیفی که هر بار مدیریت سـینما را دست گرفته، شـاهد فوران ابتذال و سیاهی و فرار مخاطبان از سـالن‌های سینما بودیم. به هرحال این سایت‌ها و رسانه‌ها از آبشخور جریانات و جناح‌های غیرهمسو آب می‌خورند و مهم‌ترین ماموریت آن‌ها، هم، کمرنگ ساختن عملکرد دولت- حتی اقدامات مثبت و امیدآفرین- است. رویه‌ای که چندین دهه تجربه و تکرار می‌شود. به‌ویژه، که در آسـتانه دور جدید انتخابات در کشور قرار داریم. بدیهی است جناح مخالف تمام قد نوک پیکان هجمه‌ها، انتقادات و حمله‌ها را روی درخشان‌ترین نقطـه عملکرد فرهنگی دولت جدید و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متمرکز کند.

البته همین نقدهای غیرمنصفانه و مغرضانه سیاسی بـه این حوزه را نباید تهدید تلقی کرد که نوعی فرصت است، چرا که کمک می‌کند تا مسیر اطلاعات و آگاهی‌های جامعه به این نقطه متمرکز شود و دستاوردهای سینما بهتر به چشم آید.

این روزها مهم‌ترین انتقادی که از مدیریت سـینما می‌شود این است که چرا دو فیلم کمدی زیاد فروخته‌اند؟ کـم اطلاع‌ترین فـرد هم می‌داند که بـار اصلی فروش سـینمای ایران در همه دوره‌هـا و دولت‌ها روی دوش فیلم‌های کمدی بوده است.

سال ۶۹، ۲۱۴ فیلم نمایش داشته که مجموع فروش این تعداد فیلم، یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان بوده است. ۲۰ فیلم اول جدول فروش، نیمی از فروش سالیانه را تامین کردند و ۱۹۴ فیلم دیگر نیز ۶۰۰ میلیون تومان فروخته‌اند. پرفروش‌ترین فیلم این سال نیز «خواستگاری» بوده است.

در دهـه ۷۰ نیـز به عنـوان مثال سـال ۷۷ که سیاسـت‌های دولت اصلاحات در سـینما، کاملا به بار نشسته بود. در این سال، ۲۸۶ فیلم در سینماها نمایش داشـت و سـینماها به فروش حدودا ۶ میلیارد تومانی رسـیدند. ۱۰ فیلم نخست جدول، نیمی از فروش کلی سال را تامین کردند و ۳ میلیارد تومان دیگر نیز از محل نمایش ۲۷۶ فیلم تامین شد. پرفروش‌ترین فیلم این سال نیز کمدی «مرد عوضی» بود.

در دهه ۸۰، همان قاعده، تکرار شـد. مثلا در سال ۸۳، که ۲۲۸ فیلم نمایش داشتند و سینما به فروش ۱۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومانی نائل آمد، حدود ۵ میلیارد آن از محل نمایش ۵ فیلم تامین شد و ۲۲۳ فیلم دیگر، بیش از ۵ میلیارد دیگر را تقبل کردند.

برای نقد عملکرد ابتدای‌ترین امر این است که موضوع را در جغرافیایی وسیع‌تر و با نگاه تطبیقی نسبت به جهان و ادوار مختلف به سراغ آن رفت.

در سـالی که حتی سـینمای جهان نتوانسته آمار سالیانه خود را به دوران پیش از کرونا رساند، آیا جهش و تحرک صورت گرفته در سینمای پرچالش ایران قابل دفاع و ستایش نیست؟

آخرین آمار ثبت‌شده نرمال برای سینماها، به سال ۹۸ باز می‌گردد که سـینماها در این سال، ۲۶ میلیون مخاطب داشـتند. با این دسـت‌فرمان، سینمای ایران، احتمـالا در اوایل بهمن‌ماه، از این آمار عبور خواهد کرد تا برای نخستین‌بار پس از اپیدمی کرونا، بتواند موقعیت قبل خود را بازیافته و حتی از شرایط عادی آن مقطع هم عبور کند. تعداد مخاطبان سینما در سال ۹۷ نیز حدود ۲۷ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بود که این آمار، قطعا برای امسال نیز محقق خواهد شد.

پس از ۲۰ سال قرار است تعداد مخاطبان سینمای ایران، از ۳۳ درصد جمعیت کشـور عبور کند، آن هم نه در فضای عادی و زیرساخت‌های ایده‌آل. در دوران پس از کرونـا و ناآرامی‌هـای اجتماعی که برخی از لیدرها و بازیگردان‌های آن هم از خود سینما بوده‌اند.

سـینمای ایران در سال ۹۶، حدود ۲۳ میلیون نفر، در سال ۹۵، حدود ۲۶ میلیون، در سال ۹۴، بیش از ۱۳ میلیون، در سـال ۹۳، کمتر از ۱۳ میلیون، در سال ۹۲، کمتر از ۱۰ میلیون، در سال ۹۱، کمتر از ۱۱ میلیون و در سال ۹۰، کمتر از ۱۵ میلیون نفر مخاطب داشته است. بنابراین اگر سـینما برای امسال بتواند تعداد مخاطبان خود را به ۲۸ میلیون نفر برساند، یعنی بیشترین میزان استقبال از سینماها در طول ۲۳ سال رقم خورده است.

اینکه برخی رسانه‌های منسوب جناح‌ها برای تشویش اذهان و تخطئه کارنامه حوزه فرهنگ با اغراض سیاسی مانور دهند طبیعی است. اما کاش در نقد عملکرد حوزه فرهنگ ساحت فرهنگی رسانه متنی بر اخلاق و عدالت را هم پاس بداریم. آیا این آمار بیش از ۳۰ میلیون مخاطب، ناگهانی و بدون برنامه‌ریزی در حال رقم خوردن است؟ آن هم سینمایی که طی دو سال اخیر پرچالش‌ترین دوران را سـپری کرده و با بحران‌های متعـدد درون و بیرون سـینما مواجه بوده است. از سهم‌خواهی جریانات درون گفتمان اصولگرایی تا اپوزیسیون خارج‌نشین موج‌سوار. از جنبش ME TOO تا هشـتک‌های فتنه‌انگیز، از خط تولید بیانیه‌نویسی و مسئله‌تراشی تا تاثیرات تحریم‌های خارجی تا دسیسه‌های فرهنگی و رسانه‌های دستگاه‌های دیپلماسی غربی و صهیونیستی از بحران هنجارشکنانه حجاب تا اغتشـاش و ناآرامی‌های اجتماعی و منازعات صنفی و...

شکی نیست که طی دو ساله اخیر در عرصه سینما تجربه‌ها و دسـتاوردهای درخشـان و مانـدگاری رقم خورده اسـت. رایحه تغییر و تحول محسوس و ملموس اسـت. تغییر گزاره‌های مهم در زمینـه آئین نامه‌های تولید، احیای شورای عالی سینما، توسعه همکاری‌های بین‌الملل به سمت کشورهای همسو، تاسیس بنیاد ملی انیمیشن، توجه به سـرمایه‌گذاری روی کارگردان‌ها و عوامل فیلـم اولی‌ها، افزایش ۴۰ درصدی سـالن‌های سینما، ساخت سرور ملی با کمک دانش‌بنیان، اصلاح و ترمیم حق و بازنشستگان سینما، انجام مقدمات اجرائی خانه شدن بیش از ۲۶۰۰ عضو خانواده سینما، پیگیری افزایش بودجه و منابع سینما در راستای تقویت و ارتقای سـاختارهای معیشیتی سـینماگران و... گوشه‌های از دستاوردهای سینمایی دولتی است که با عبور از خارهای مغیلان و بحران‌های سیاسی، اجتماعی و جناحی به بار نشسـته است. افق روشن است و این جناح‌های مخالف را آزرده می‌کند.

گفت‌وگو با فاطمه غفاری، مدیرعامل شرکت دانش‌بنیان تولید مجازی فیلم

فناوری بومی تولید فیلم مجازی چگونه به کمک سریال «موسی(ع)» آمد؟

رسول شمالی ورزنده

فنـاوری جدیـد تولید فیلم مجـازی، زیر ساخت‌های مهمی برای آینده سینما و تلویزیون ایران است که می‌تواند مسیر تولید آثار تاریخی را ساده‌تر و به‌صرفه‌تر کند.

این فناوری ترکیبی از تکنیک به روز جهانی، نیروی انسانی متخصص و ابزارهای فناورانه است. پروژه مجموعه تلویزیونی «موسـی کلیم‌الله(ع)» در مراحل مختلف با تشـکیل گروه تحقیق و توسعه و بهره‌گیری از استعداد نیروی انسانی متخصص ایرانی اقدام به توسعه فناوری و بومی سازی با ابزارهای داخلی کرده است. بر همین اساس آزمون‌هـای مختلفی برای فیلمبرداری در قالب فناوری «تولید مجازی» طراحی و اجرا شده است.

طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده قرار بود دکورها و فضاهای میدانی عظیمی برای فصل اول و دوم مجموعه تلویزیونی «موسی کلیم‌الله(ع)» ساخته شود که علاوه‌بر ساخت، نگهداری و تعمیرات آن در آینده نیز هزینه‌های بسـیار زیادی را بـه پروژه تحمیل می‌کـرد. اکنون با آزمایش‌های متعدد فنـاوری تولید مجازی، فقط در دو فصل نخست مجموعه «موسی کلیم‌الله(ع)» در هزینه و زمان ساخت ۱۱۰ هکتار (معادل یک میلیون و صد هزار متر مربع) دکور و فضاهای عمومی صرفه‌جویی می‌شود. همچنین هزینه‌های پس از تولید، یعنی نگهداری و تعمیر دکور در سال‌های بعد نیز از پروژه حذف می‌شود.

هم اکنون پیش تولید مجموعه تلویزیونی «موسـی کلیـم‌الله(ع)» با فناوری جدید تولید فیلم مجازی ادامه دارد و گروه‌های تولید که در مجموعه بیش از ۳۰۰ نفر هستند مقدمات آغاز فیلمبرداری بزرگ‌ترین مجموعه‌های دهه اخیر سـازمان صداوسیما را آماده می‌کنند که امید مـی‌رود به یکی از پروژه‌های موفق دارای بازار جهانی به ویژه در جهان اسلام تبدیل شود.

در همین رابطه یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی برای اولین بار موفق به کسب این فناوری جدید در عرصه تولید فیلم مجازی شده که با ورود خود به پروژه مجموعه «موسی کلیم‌الله(ع)» افتخار بزرگی را برای ایران اسلامی رقم زده اسـت. فاطمه غفاری، مدیرعامل شرکت تولید مجازی یکی از شرکت‌های دانش بنیان ایرانی که در پروژه «موسی کلیم‌الله(ع)» همکاری دارد در گفت‌وگو با کیهان به تشـریح این فناوری جدید بومی‌سازی شده پرداخته اسـت که می‌خوانید. فاطمه غفاری مدیرعامل شرکت دانش‌بنیان تولید مجازی فیلم الهام دارای دکتری مدیریت استراتژیک از دانشگاه تهران و از جمله افرادی است که سال‌ها در رسـانه ملی به عنوان تهیه‌کننده، نویسنده و مجری در شبکه‌های تلویزیونی فعالیت داشته است.

نقش فناوری تولید مجازی فیلم در پروژه‌های عظیم سینمایی و تلویزیونی

فاطمه غفاری درخصوص این فنآوری جدید و نحوه همکاری شـرکتش با پروژه تولیـد مجموعه تلویزیونی «موسـی کلیم‌الله(ع)» رسانه ملی گفت: هدف حضور ما دراین نوع پروژه که نتیجه سال‌ها تحقیق و بررسی بوده این است که با بهره‌گیری از فناوری‌های جهانی که بومی‌سازی کردیم بتوانیم در مدیریت اقتصاد کشور مؤثر باشیم چرا که این روش نوین تولید مجازی فیلم باعث می‌شـود که هزینه‌ها کاهش و سرعت تولید افزایش پیدا کند.

وی درباره نحوه همکاری گروه تولید سریال «موسی کلیـم‌الله(ع)» توضیح داد: آقای حاتمـی کیا کارگردان مجموعه «موسـی کلیم‌الله(ع)» که به همراه دیگر عوامل تولید به دفتر ما آمدند، برای‌شان این فناوری جذاب بود و به این یقین رسیدند که این فناوری می‌تواند در تولید مجموعه تلویزیونی«موسی کلیم‌الله(ع)» موثر واقع شود و می‌توانند از این روش استفاده کنند و لذا وارد همکاری شدیم.

تولید دنیایی متفاوت

غفاری ادامـه داد: باید اذعان کنم که این فناوری، سـی‌جی و پرده سبز و کروماکی نیسـت بلکه ویژوال پروداکشـن است. تولید مجازی فیلم، یعنی ما از طریق نرم‌افزار و برنامه‌نویسی‌ای که داشتیم یک جهان را تولید می‌کنیم. به‌طور مثال در پروژه«موسـی کلیم‌الله(ع)» دیگر نیازی به سـاخت یک شـهرک سینمایی نیست. به‌طور مثال پادگان دوران فرعون را سـاختیم یا خواهر فرعون را سـوار بر اسب در حال حرکت نمایش دادیم. همین‌طور سـاخت رود نیل را به نمایش گذاشتیم که خیلی به واقعیت نزدیک است به‌گونه‌ای که با تماشای این صحنه‌های مجازی، تماشاگر خود را در همان فضا و دوران به‌صورت فضای واقعی حس می‌کند. لذا بر همین اسـاس آموزش‌های لازم را به آقای حاتمی‌کیا و دیگر عوامل تولید پروژه آغاز کردیم و البته آقای ابوذر صفاریان که بنیانگذار این فناوری بومی شده جهانی است هم در شرکت ما تلاش‌های زیادی را برای پروژه حضرت موسی کلیم‌الله(ع) داشـت و در حدود ۹ ماه در این خصوص با عوامل پروژه همکاری داشتیم.

وی بـا بیان اینکه این فنـاوری در واقع یک دانش جهانی است و مرز نمی‌شناسـد گفت: خوشبختانه ما این علم و فناوری را بومـی کردیم و به‌دنبال الگوهای خارجی نرفتیم.

خط‌شکن صنعت فیلم‌سازی در ایران

غفاری ادامه داد: رئیس رسـانه ملی در چند روز گذشته و در زمان برپایی نمایشگاه رصتا در مصلای امام خمینی(ره) در بازدیدی که از غرفه شـرکت ما داشت دوباره از تلاش شـرکت ما در پـروژه عظیم مجموعه تلویزیونی«موسی کلیم‌الله(ع)» قدردانی و تشکر کرد و ما را مورد محبت خود قرار داد و خطاب به ما گفت: مجموعه شما و شـرکت دانش بنیان شما خط‌شکن صنعت فیلم‌سـازی و باعث تحول فیلم‌سازی در ایران اسـت و از من درخواسـت کرد که با حضور مداوم در دانشگاه صداوسیما موجب گسترش این صنعت نو در کشـور شوم و ما و گروه ما خوشحال می‌شویم که این علم و دانش نوین فنـاوری فیلم را در اختیار همگان قرار بدهیم.

من باور دارم که علم را باید منتشر کرد و زکات آن هم انتشارش هست چرا که فقط از این طریق می‌توانیم به گسترش علم نوین به همه موجب پیشرفت و موفقیت ایران اسلامی باشیم. و این آمادگی را داریم که تجربیات خود را به رسانه ملی منتقل کنیم.

وی بـا اشـاره به اینکه هزینه‌هـای تولید فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی با بهره‌گیری از فناوری تولید مجازی فیلم کاهش می‌یابد و به اقتصاد کشور هم کمک خواهد کرد گفت: با این روش می‌توانیم هزینه‌های تولید و برآوردها را کاهش دهیم و برآورد جدیدی را به‌صورت اورژینال شکل دهیم و به همین منظور سیستم برآوردی جدیدی را طراحی کردیم که اگر سـازمان صداوسیما بخواهد آثاری را به صورت تولید مجازی فیلم در دستور کار داشته باشد ما سیستم‌های برآورد جدیدی را برای سازمان صداوسیما طراحی کنیم و در اختیار رسانه ملی قرار دهیم و در این شـرایط سخت اقتصادی به کمک سازمان صداوسیما بیاییم.

کارخانه تولید مجازی فیلم در خاورمیانه هستیم

غفاری ادامه داد: مـا در واقع برای اولین بار فیلم سـازی را به‌صورت صنعت و در قالـب تولید انبوه در خاورمیانه برپا کردیم چرا که همزمان با کار در مجموعه تلویزیونی«موسی کلیم‌الله(ع)» پروژه «مهیار عیار» را شروع کرده بودیم و نیز مجموعه «هفت» و همزمان هم دو فیلم سینمایی را هم در دست اقدام داشتیم، با این شرایط می‌توانیم بگوییم که در واقع آن شرایط کارخانه برای شرکت دانش‌بنیان ما کاملا معنی پیدا می‌کند که در شیوه‌های سنتی این فرآیند انجام نمی‌شود.

مدیرعامل و بنیانگذار شـرکت دانش‌بنیان تولید مجازی فیلم الهام در پایان این گفت‌وگو با عنوان این مطلب که شرکت دانش‌بنیان تولید مجازی فیلم الهام در خدمت همه اهالی تولید فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی است اظهار داشت: این کار یک کار علمی است، پشتوانه علمی و آموزش‌های زیـاد را می‌طلبد و ما هم از این منظر در خدمت همه همکاران هستیم تا ان‌شاءالله این مسیر را بتوانیم برای آنها هموار کنیم.

یک مستندساز:

انتظار شفاف‌سازی در حوزه فرهنگ و سینما را داریم

هم رئیس‌جمهور و هم وزیر فرهنگ و ارشـاد اسلامی دولت سـیزدهم، اخیراً بر شفافیت فعالیت مدیـران بخش‌های مختلـف تأکیـد کرده‌اند. اما شفاف‌سازی در مدیریت فرهنگی و به ویژه در حوزه مدیریت سـینما، چه اهمیتی دارد؟ محمد دیندار، کارشناس سینما و مستندساز، در گفت‌وگو با کیهان، دیدگاهش درباره این موضوع را این‌گونه بیان می‌کند:

«آقـای رئیسـی در یکی از سـخنرانی‌های اخیـرش درباره شفاف‌سـازی گفتـه که «چرا قراردادهـای اقتصادی نباید علنی باشـد... چرا بهره‌برداری از حوزه‌های مختلف اقتصادی نباید شکل شفاف داشته باشـد؟» اخیراً صحبتی هم از محمدمهدی اسـماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسـلامی را هم خوانـدم که گفته «کسـی که مسئول می‌شود باید در اتاق شیشه‌ای و در برابر مردم شـفاف باشد و هیچ امر غیرشفافی نداشته باشـد.» با توجه به این سخنان رئیس‌جمهور و وزیر فرهنگ، یکی از جنبه‌های شفافیت، مشخص شدن بودجه‌های فرهنگی است. یعنی باید مشخص شـود در تولید فیلم‌های سینمایی و مستند چه بودجه‌هایـی تخصیص یافته اسـت و این بودجه‌ها چگونه هزینه شـده‌اند. بحث شفاف‌سازی، یک قانون هست و در قانون به آن تصریح شده است. به هر حال بخشـی از کار فرهنگی، اقتصادی است. ضمن اینکه فعالیت‌های فرهنگی در هر امر مثبتی باید پیشـقدم باشد و شفاف‌سازی در این حوزه می‌تواند الگویی برای سایر بخش‌ها باشد.

این شفاف‌سـازی قطعاً برکاتی خواهد داشـت. چـون جلوی خیلی از هزینه‌هـای اضافه و پرداخت دستمزدهای نامتعارف گرفته خواهد شد. در صورت شفاف‌سازی، هر فرد یا نهادی به خودش اجازه نخواهد داد کـه هر نوع دسـتمزدی را پرداخت کند. به طور مثال، اخیراً شنیدیم فیلم مستندی با سرمایه‌گذاری نهادی خارج از دولت و با بودجه بسـیار بالایی تولید شده اسـت. این درحالی است که وقتی این فیلم در جشنواره س